



درآمدی بر حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام

پدیدآورنده (ها) : محمد رضا

فقه و اصول :: مجله پژوهش نامه فقہی :: تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۴

الصفحات : من ۱۸۵ إلى ۲۲۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/879818>

تاریخ دائلود : ۱۴۴۵/۰۳/۲۴

مركز أبحاث الكمبيوتر للعلوم الإسلامية (نور) لتقديم المجلات المعروضة في قاعدة البيانات ، الحصول على الإذن اللازم من أصحاب المجلات ، وبالتالي جميع الحقوق المادية الناشئة عن إدخال معلومات عن المقالات والمجلات والكتابات متاح في القاعدة ، ينتمى إلى "مركز الضوء". لذلك أى نشر وعرض لمقالات فى شكل نص وصور على ورق وما شابه ، أو يتطلب النموذج الرقوى الذى تم الحصول عليه من هذا الموقع الإذن اللازم من أصحاب المجلات ومركز أبحاث الكمبيوتر للعلوم الإسلامية (نور) ، وسيؤدى انتهاكها إلى اتخاذ إجراءات قانونية. لمزيد من المعلومات ، انتقل إلى [الشروط والأحكام](#) باستخدام قاعدة بيانات مجلة نور التخصصية يرجى الرجوع.



- جایگاه حقوقی محیط زیست در بینش امانت‌مدار اسلام و نگرش تمامیت خواه غرب
- انسان و محیط زیست از منظر قرآن و روایات
- طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام
- اهتمام به محیط زیست در فقه و فرهنگ امام خمینی (ره)
- حق بر محیط زیست سالم در پرتو اصول فقهی و اخلاقی
- بایسته‌های حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقه
- چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی
- الهیات محیط زیست (گزارشی از آرمان شهر علامه اقبال لاهوری)
- بررسی تطبیقی حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی و اسناد بین‌المللی
- بررسی تاریخی حقوق بشر دوستانه در جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- تاملی بر جایگاه «انسان دوستی» در فلسفه تربیتی اسلام
- تحلیلی بر وضعیت معیشتی مهاجرین روستایی در شهرها (مطالعه موردی: دهستان رستم دو - شهرستان رستم)

عناوین مشابه

- حمایت از محیط زیست جنگل در مخاصمات مسلحانه بر پایه حقوق بشر بین‌الملل
- حمایت از حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی با نگاه به کودکان یمن
- حفاظت حقوقی از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه با تأکید بر جنگ دوم خلیج فارس
- شرط زیست محیطی مارتنس و حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه؛ ؛ با تأکید بر اصول پیش‌نویس ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل
- اصل تناسب؛ سنتز اصول تفکیک و ضرورت نظامی در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی
- حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل
- نگاهی تحلیلی بر مخاصمات مسلحانه در دو دیدگاه: اسلام و حقوق بین‌الملل
- حمایت از سربازان و نیروهای خودی در مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی (بررسی تطبیقی حقوق بین‌الملل و اسلام)
- نقش ضمانت اجرای حقوقی و کیفری در حمایت از محیط زیست با تأکید بر قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع
- تحلیلی فقهی بر حمایت از غیرنظامیان در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه

درآمدی بر حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۳/۲۰

محمد رضا فقهی *

چکیده

تحقق سلامت، امنیت، عدالت، توسعه جوامع بشری و رشد نسلهای آینده، و حفظ حیات و کرامت انسانی و رسیدن بشریت به سعادت، رابطه نزدیکی با حفظ محیط زیست و توجه به مسائل زیست محیطی دارد، زیرا هرگونه تخریب و آلودگی محیط زیست که منجر به افساد در زمین گردد، نه فقط بر زندگی سالم انسان و دیگر موجودات زنده تأثیر می‌گذارد، بلکه حیات انسان را به نابودی می‌کشاند. از این رو، در منابع فقهی و آموزه‌های دینی به لزوم حفظ و مراقبت از تخریب و آلودگی منابع طبیعی، به خصوص در صحنه مخاصمات مسلحانه که محیط زیست و عناصر زیست محیطی بیش از هر زمانی مورد تهدید واقع می‌گردند، اهتمام و توجه ویژه‌ای شده است.

بررسی احکام و مقررات اسلامی به خوبی نشان می‌دهد که اسلام برای حمایت از محیط زیست و عناصر زیست محیطی، حتی در جریان مخاصمات مسلحانه، بهترین، کارآمدترین و روشن‌ترین قواعد و دستورها را در نظر گرفته و در عمل نیز به اجرا

* طلبه سطح سوم حوزه علمیه قم.

گذاشته است.

این مقاله، می‌کوشد شمه‌ای از این قواعد و مقررات حمایتی را، با توجه به قرآن و روایات و منابع تفسیری و فقهی مذاهب اسلامی، با رویکرد حقوق بشر دوستانه تقدیم کند و به برخی از شبهات مطرح در این زمینه نیز پاسخ می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست، عناصر زیست‌محیطی، مخاصمات مسلحانه، فساد، اسراف.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مقدمه

«محیط زیست» شامل مجموعه‌ای است از عناصر، اعم از آب، خاک، هوا، گیاهان و حیوانات، و تمامی شرایط خارجی است که رشد و حیات انسان متأثر از آنهاست. لزوم حفظ محیط زیست و توجه به مسائل زیست محیطی، به ویژه در جریان مخاصمات مسلحانه، یکی از موضوعات مهم و دغدغه برانگیز جهان معاصر است. زیرا از سویی محیط زیست و مجموعه عناصر و عوامل سازنده آن جنبه حیاتی و نقش اساسی و تأثیرگذاری در روح و روان و زندگی پاک و خرم انسانها و دیگر موجودات زنده دارند، به طوری که موجودات زنده منهای محیط زیست امید بقا نخواهند داشت. بنابراین، وابستگی انسان و دیگر موجودات زنده به محیط زیست یک مقوله فرعی و مکمل نیست که وجود و عدم آن برای مجموعه‌های بشری یکسان باشد، بلکه بشر و موجودات زنده ملازم با عناصر محیط زیست پا به جهان می‌نهند و با برخورداری از آن استمرار حیات می‌دهند.

از سویی دیگر، آلودگی و تخریب محیط زیست باعث افزایش بیماریهای جسمی، روحی و روانی و گسترش فقر و ناامنی در جوامع می‌شود. آلودگی محیط زیست دگرگونی و تغییر اوصاف و ترکیب طبیعی و مفید عناصر حیاتی و مؤثر بر محیط زیست با عناصر و ترکیبات مضر به طبیعت و انسان است. این آلودگیها ممکن است بر اثر عوامل فیزیکی و بیولوژیکی، از طریق کاهش کیفیت محیط زیست و در اثر تمرکز آلاینده‌های پیرامون و سایر فعالیتها و فرایندها، مثل استفاده نامناسب از زمین و بلایای طبیعی، صورت گیرد.

در این میان، یکی از عمده ترین عوامل آلودگی محیط زیست و نابودی عناصر زیست محیطی، جنگها و استفاده از تسلیحات شیمیایی، میکروبی و سلاحهای غیر متعارفی است که قدرت تخریب بالایی دارند. همین امر موجب شده است که در نظام حقوقی بین‌الملل، هرچند دیر هنگام، قدمهای مثبتی در زمینه حفاظت و

مصونیت محیط زیست از تخریب و آلودگی، برداشته شده و با گذشت زمان، به ویژه از اواخر قرن بیستم و آغازین سالهای قرن بیست و یکم، تلاشها و همگراییهای خاصی در این زمینه به وجود آمده است، به طوری که محیط زیست از جمله اولویتهای نسل سوم حقوق بشر قرار گرفته و همکاری تمام کشورهای کوچک و بزرگ را برای حفاظت و بهبود محیط‌زیست مورد تأکید قرار داده است.

هرچند برخی از دانشمندان و خاورشناسان منصف تصریح می‌نمایند که منشأ حقوق بین‌الملل اعلامیه‌های جنگ در شکل نوین خود، اصول اسلامی بوده است، با این حال، برخی دیگر، اسلام را دین جنگ و خونریزی معرفی کرده و حتی برخی رویدادهای تاریخی و عمل‌کرد رسول خدا ﷺ و اصحابشان را در برخی از غزوات نشانه جواز ویرانگری و تخریب محیط زیست در اسلام دانسته و از آن انتقاد کرده‌اند. از جمله ماجرای غزوه بنی‌نضیر است که در آن برخی از نخلهای یهودیان بنی‌نضیر توسط مسلمانان قطع شد، چنان‌که در آیه پنجم سوره حشر نیز این جریان منعکس شده است.

در مقاله پیش‌رو سعی شده است در حد اختصار بخشی از مهم‌ترین قواعد و مقررات عام و خاص اسلام، در حمایت و صیانت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه، معرفی و مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در حد وسع نیز به برخی از شبهات در این زمینه پاسخ داده شود.

گفتار اول: مقررات عام حمایتی

در جنگ و درگیریهای مسلحانه هرچند وجود کشتار، تخریب و آلودگی محیط زیست امری بدیهی و ناگزیر تلقی می‌شود، اما لزوم رعایت اصول و قواعد جنگ، طرفین متخاصم را از آزادی عمل در توسل به هر نوع تسلیحات، علیه هر کس، در هر مکان، به هر شیوه و به هر مقدار محدود و منع می‌نماید. این احکام و مقررات بشردوستانه که در فقه اسلامی از قرآن سنت و عقل نشأت گرفته است، لازم‌الرعایه

بوده و تخلف از آن، تعدی از قرآن، سنت نبوی و حکم عقل و بنای عقلاست. در این زمینه، به قواعد و مقررات عام متعددی می‌توان استناد نمود که لزوم رعایت آن در هر زمان، به ویژه در صحنه مخاصمات مسلحانه، نمود بیشتری پیدا می‌نماید؛ اما با عنایت به اینکه بررسی دقیق و تبیین تمامی این قواعد از مجال این مختصر خارج است، تنها به سه قاعده بنیادین اکتفا می‌شود.

بند اول: ممنوعیت سعی در فساد

از جمله اصول و معیارهای حقوق بشردوستانه اسلامی که بر حقوق جنگ نیز حاکم است و به منظور حمایت از انسانها و محیط زیست حایز اهمیت و قابل استناد است، این است که نیروهای نظامی نباید در مخاصمات مسلحانه به تخریب، آلودگی گسترده، محیط زیست و نابودی عناصر زیست محیطی دست بزنند. بر این اساس، هدف قرار دادن مستقیم محیط زیست و یا به کارگیری شیوه‌ها و تسلیحات غیر متعارفی که ماهیتاً برای کشتار و ویرانگری گسترده، بدون تفکیک و کنترل به کار برده می‌شوند، مانند تسلیحات کشتار جمعی جایز نیست. غبار مرگبار ناشی از مواد رادیواکتیو یک انفجار هسته‌ای کل یک منطقه را می‌پوشاند و آلودگی آن به صورتی پایدار باقی می‌ماند، به طوری که از نظر علمی با هیچ روش فیزیکی و شیمیایی نمی‌توان رادیواکتیویته ناشی از این سلاحها را منهدم نمود. در نتیجه تا سالهای طولانی محیط زیست آلوده باقی می‌ماند و عملکرد طبیعی خاک مختل می‌شود و هیچ گیاهی نیز در مناطق آلوده رشد نخواهد کرد. از سوی دیگر، این آلودگی علاوه بر اینکه تغییراتی در یونیزه شدن طبیعی جو ایجاد می‌کند، موجب انواع بیماریها، سرطان خون و استخوان، جهشهای مصنوعی و ژنتیکی و سایر امراض پوستی و تنفسی بر روی موجودات خواهد شد (ساعد، حقوق بشردوستانه و سلاحهای هسته‌ای ۱۳۸۶: ۵۱ - ۵۹).

حملات شیمیایی ارتش آلمان در جنگ جهانی اول علیه نیروهای فرانسه و

بالعکس حملات شیمیایی ارتش متحدین علیه آلمانیها نیز شاهد خوبی برای تأثیرات کشنده و مخرب استفاده از این قبیل تسلیحات بر محیط زیست است. زیرا گازهای شیمیایی توسط بادهای ملایم به اطراف پراکنده می‌شد و این امر سبب بروز صدمات مختلف بر روی موجودات زنده می‌گردید. در ژوئن ۱۹۱۶ ارتش متحدین در جبهه «زوم» برای اولین بار گاز جدیدی را به کار گرفتند. انتشار گاز کلر و فسژن در طول ۱۷ مایل جبهه، منجر به پیدایش ابر بسیار غلیظی شده بود که تا ۱۲ مایل پشت خطوط نظامی آلمان نفوذ کرد. این گاز تمامی انسانها، جانوران، حشرات و گیاهانی را که در معرض آن قرار گرفته بودند، از میان برده بود (کردبچه حسین‌آباد، *تحدید تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی بین‌الملل ۱۳۱۶: ۱۲۷*). همچنین در جنگ ویتنام در دهه ۱۹۶۰ و سالهای نخست دهه ۱۹۷۰، آمریکاییها با پاشیدن مواد شیمیایی سمی بر کشتزارها و بیشتر جنگلها و مناطق وسیعی که پناهگاه چریک‌های ویت‌کنگ بود، حیات جانوری و گیاهی را نابود کردند (علائی و خواجه کاوسی، *صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی ۱۳۷۱: ۴۷*).

از نظرگاه قرآن و فقه اسلامی، این چنین ویران‌گری و اقدامات تلافی‌جویانه که از روی غضب و هوا و هوس، و به هدف برتری‌جویی، غارت‌گری و تسلط بر کشورها صورت می‌گیرد، افساد در زمین و حتی گام برداشتن و تلاش در چنین مسیری سعی در فساد است. از دیدگاه قرآن، افساد در زمین، از چنان گستردگی مفهومی و مصداقی برخوردار است که به هر گونه تباهی و عمل شرارت بار و اقدام به معصیتی که موجب سلب امنیت روحی و روانی افراد جامعه، یا ایجاد رعب و وحشت، و یا کشتار مردم بی‌گناه و یا تخریب و نابودی محیط زیست و اموال عمومی و یا اختلال در طبیعت و نظم حاکم در خلقت و تکوین اشیا باشد، قابل اطلاق و تطبیق است (برای مطالعه در این زمینه نک: ابن عاشور، *التحریر و التنویر بی‌تا: ۱۷: ۳۰؛ شوکانی، فتح‌التقدیر ۱۴۱۴: ۲۴۳؛ مراغی، تفسیر المراغی بی‌تا: ۱: ۱۷۸*). لذا در قرآن کریم از چنین اعمالی به شدت نهی شده است:

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا

يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره: ۲۰۵)؛ و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش

می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت، زراعتها، چهارپایان و نسل را نابود سازد، و خداوند فساد را دوست نمی‌دارد.

مطالعه شأن نزول آیه شریفه فوق نیز این واقعیت را اثبات می‌نماید. در شأن

نزول آیه شریفه نقل شده است:

در مدینه شخصی به نام اخنس بن شریق ثقفی نزد پیغمبر آمد و اظهار اسلام نمود. پیغمبر ﷺ از عمل او تعجب کرد. او گفت: من چون اسلام را دوست دارم اینجا آمده‌ام و خداوند داناست که من راست می‌گویم. او از خدمت رسول الله ﷺ بیرون آمد. پس به کشت و زرع و شترانی که متعلق به مسلمانان بود، رسید. کشت و زرع را آتش زد و شتران را هم پی کرد. خداوند تعالی این آیه را درباره او نازل کرد (واحدی، اسباب نزول القرآن ۱۴۱۱: ۶۶؛ سیوطی، الدرالمشور ۱۴۰۴: ۱/۲۳۸).

بر این اساس، آتش زدن کشت و زرع و پی کردن چند شتر که از روی خصومت و کینه انجام گرفته، مصداقی از تلاش در جهت ایجاد فساد و تباهی در زمین قلمداد شده است. به طریق اولی، حمله به محیط زیست و به کارگیری تسلیحاتی که منجر به کشتار موجودات بی‌گناه و آلودگی و تخریب محیط زیست و عناصر زیست محیطی در حد گسترده و دراز مدت می‌گردد، از مصداق بارز سعی بر افساد در زمین خواهد بود.

در قرآن کریم بارها از فساد در زمین به طور عام و مطلق نهی شده است. به تصریح بسیاری از فقهای فریقین نهی ظهور در تحریم دارد (برای نمونه نک: سید مرتضی، الانتصار ۱۴۱۵: ۱۰۴؛ علامه حلی، قواعد الاحکام ۱۴۱۲: ۱۵/۳۲۲؛ خوئی، موسوعة الامام الخوئی ۱۴۱۸: ۱۲/۳۰۵؛ ابن قدامه: المغنی بی تا: ۱۵۰/۳)؛ به ویژه که با استناد به برخی دیگر از آیات قرآن کریم که در آن خداوند متعال با تأکیدهای متعدد، هرگونه فساد و عمل مفسدان را مبعوض داشته، بیان حرمت فقهی چنین

فسادی آسان می‌نماید و می‌توان نتیجه گرفت که افساد در زمین مطلقاً حرام است (عمیق، درآمدی بر فقه محیط زیست ۱۳۸۱: ۱۰۵؛ حسینی شیرازی، تقریب القرآن الی الاذهان ۱۴۲۰: ۳۸). چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید:

وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (قصص: ۷۷)؛ و هرگز در طلب فساد در زمین مباش، و از آنچه خدا از مال و جاه و حشمت به تو داده استعانت در فساد مجوی، که خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد.

در این عرصه شواهد زیادی از قرآن مجید نیز وجود دارد که جمله «لایحب» در تحریم به کار می‌رود، نه کراهت. مثلاً حضرت ابراهیم در داستان دلائل توحید می‌فرماید: «لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام: ۷۶). این بدان معناست که حضرت ابراهیم به هیچ وجه غروب‌کنندگان را به عنوان پروردگار خویش دوست ندارد. همچنین «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: ۵۷)، «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال: ۵۸)، «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱)، یعنی خداوند به هیچ وجه، ظالمان، خائنان و اسراف‌کنندگان را دوست ندارد، نه اینکه در این مسئله کراهت دارد که با تمایل هم سازگار باشد (مکارم شیرازی، کتاب النکاح ۱۴۲۴: ۳: ۵۳).

از سوی دیگر، حتی اگر بپذیریم که در جمله «لایحب» اجمال وجود دارد و «عدم محبوبیت» اعم از حرمت و کراهت است؛ با توجه به قرائن موجود و مناسبت حکم و موضوع، «لایحب» در «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ» به معنای نفی دوستی اعم از غضب نیست، بلکه این تعبیر در قرآن کریم ملازم با سخط الهی است، زیرا هر افسادی، طغیان در برابر فرمان عدل محور خداست و هر طغیانی مایه غضب الهی است، چنان‌که از آیه

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (طه: ۸۱)؛ بخورید از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و

هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوط می‌کند

همین مبنا استنباط می‌شود (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۸۷: ۱۰/۲۲۶).

برخی از فقها نیز به این معنا تصریح نموده و عدم محبوبیت در این نوع آیات را به معنای مبعوضیت دانسته و آن را مناسب و منطبق بر حکم تحریم دانسته‌اند (برای نمونه نک: مقدس اردبیلی، زبدة البیان بی تا: ۷۲؛ استرآبادی، آیات الاحکام بی تا: ۱/۱۶۷؛ مدنی کاشانی، کتاب القصاص ۱۴۱۰: ۹۸؛ منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی ۱۴۰۹: ۳/۳۸؛ خویی، همان: ۲۷/۲۰۹). چنان‌که صاحب کتاب البیئة نیز بعد از اشاره به این نکته که حفظ محیط زیست واجب است، به حرمت به تباهی کشیدن حرث و نسل تصریح نموده است (حسینی شیرازی، همان: ۲۴-۲۵).

از سوی دیگر، علاوه بر استناد به آیاتی که بر حرمت فساد دلالت دارند، بنابر حکم عقل و بنای عقلا نیز فساد و فسادگری عملی ممنوع، مبعوض و منفور است. کدام عقل سلیم و کدام عاقلی فسادگری، ویرانگری و آلوده کردن گسترده محیط زیست را عملی جایز قلمداد می‌نماید؟! شاهد سخن اینکه امروزه چه بسیار کنوانسیونها، پروتکلها و معاهدات بین‌المللی که در آن از چنین اقداماتی منع شده است (برای نمونه نک: بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست «استکهلم-۱۹۷۲»؛ اصل بیست و چهارم اعلامیه ریو و ماده ۵۵ پروتکل اول).

مطلب دیگری که پرداختن به آن در اینجا ضروری می‌نماید، پاسخ به انتقادی است که راجع به قطع درختان بنی‌نضیر و طائف توسط مسلمانان مطرح می‌شود و گاه با بزرگ‌نمایی برخی از خاورشناسان از آن به عنوان آتش زدن نخلستانهای یهودیان یاد می‌شود (E. Judaica, NADIR, v. 12 pp. 754-755). به نقل از اداک:

۱۳۸۹: ۱۵۲). آیا چنین رفتاری بی‌رحمانه و فساد در زمین نیست؟

بررسی وقایع غزوه بنی‌نضیر و طائف تا حدود زیادی مسئله را روشن خواهد کرد.

الف. ماجرای غزوة بنی‌نضیر و طائف

رسول خدا ﷺ پس از پیمان‌شکنی آشکار بنی‌نضیر که نقشه قتل حضرت را کشیده بودند، دستور اخراجشان از مدینه را صادر فرمود و برای این‌کار ده روز به آنها مهلت داد. این حکم از آنچه در پیمان‌نامه قید شده بود، یعنی قتل مردان و اسارت زنان و کودکان و مصادره اموال، بسی سبک‌تر بود، به ویژه آنکه در این مرحله بنی‌نضیر حق داشتند مالکیت زمینهای کشاورزی و باغهای خود را همچنان حفظ نمایند و برای رسیدگی و برداشت محصول به آنها سرکشی کنند (اداک، همان: ۱۵۱). اما یهودیان که به وعده‌های پوچ برخی از منافقان خام و مغرور شده بودند، پیام فرستادند که ما رفتنی نیستیم و هر کاری می‌خواهی بکن. مسلمانان به دستور نبی مکرم ﷺ قلعه بنی‌نضیر را محاصره کردند. مدت محاصره شش (ابن هشام، بی‌تا: ۲/ ۱۹۱). تا پانزده روز (طبری، تاریخ الامم والملوک ۱۳۱۷: ۲/ ۵۵۳). ثبت شده است و در این مدت منافقان و دیگر یهودیان نیز هیچ یک کمکی به آنان نکردند (واقعی، المغازی ۱۴۰۹: ۱/ ۳۶۱). یهودیان که به اندازه کافی آذوقه در قلعه داشتند استقامت ورزیدند و حاضر به ترک آنجا نشدند. لذا رسول خدا ﷺ که دید راهی برای ورود به قلعه وجود ندارد دستور فرمود برخی از درختهای خرماي ایشان را که در منطقه «بویره» قرار داشت قطع نمایند. گویند در این لحظه دشمنان خدا از مشاهده این اوضاع گریه و زاری کردند و به عجز و لابه افتادند و گفتند: ای ابوالقاسم (کنایه از پیامبر)، تو گمان می‌کنی! که می‌خواهی بین مردم اصلاح کنی آیا بریدن درختان میوه‌دار و قطع کردن نخلستانها اصلاح است؟ آیا نمی‌دانی که این کارها فساد در زمین است؟! (واقعی، همان: ۳۶۳؛ اسلامی، شأن نزول آیات ۱۲۸۳: ۵۲۹).

به دنبال این ایراد و سؤال، بین مسلمانان تردید ایجاد شد: اگر قطع درختان لازم بوده، پس باقی ماندن برخی از درختان جایز نبوده، و اگر ابقای درختان لازم بوده، قطع درختان جایز نبوده است! به همین دلیل، خداوند متعال در پاسخ به این شبهات

چنین فرمود:

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيُخْزِيَ
الْفَاسِقِينَ (حشر: ۵)؛ آنچه درخت خرما بریدید یا آنها را [دست
نخورده] بر ریشه‌هایشان بر جای نهادید، به فرمان خدا بود، تا نافرمانان
را خوار گردانند.

یعنی چه آنان که درخت خرما را بریدید و با این عمل حسرت بر دل یهودیان
گذاریدند که چگونه نخلی را که کاشته بودند قطع کردند، و چه آنان که درختان
خرما را دست نخورده بر ریشه‌هایشان بر جای نهادند و با این عمل حسرت بر دل
یهودیان باقی ماند که نخلی را کاشته بودند به دست مسلمانان خواهد افتاد، هر دو
گروه عملشان به فرمان خدا و در جهت خوارگرداندن نافرمانان بود (حسینی شیرازی،
همان: ۵: ۳۷۱).

سرانجام، این شیوه کارگر افتاد و باعث شد یهودیان آمال و آرزوهای خویش و
علقه‌ای را که به این سرزمین داشتند از دست رفته یابند، آنان دست از مقاومت
برداشتند و با کمترین درگیری و تلفات جانی و مالی، تن به قضا دادند و گفتند: ما
حاضریم جلای وطن کنیم، مشروط بر اینکه اموال منقول خود را از این سرزمین
ببریم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موافقت کرد که آنان غیر از سلاح، آنچه از اموال دارند بر
شتران بار کنند، با خود ببرند (سبحانی، فروغ ابدیت ۱۳۷۶: ۹۵/۲ - ۹۶؛ مجلسی،
بحار الانوار ۱۴۰۴: ۲۰/۱۶۴ - ۱۶۶).

نظیر این واقعه با اندکی تفاوت در غزوه طائف نیز روی داد. قبیله ثقیف که در
جنگ حنین بر ضد اسلام شرکت کرده بودند، پس از شکست فاحش به شهر خود
طائف که دارای دژ محکمی بود پناهنده شدند. طائف به مدت هفده روز در
محاصره مسلمانان بود، اما حاصلی دربر نداشت. حتی برای اولین بار از منجیق
جهت درهم شکستن قلعه استفاده شد که نتوانست خللی در حصار مستحکم شهر
ایجاد کند. لذا حضرت دستور به قطع درختان تاک و آتش زدنشان داد. وقتی

یهودیان طائف چنین صحنه‌ای را دیدند گفتند: ای محمد! چرا اموال ما را قطع می‌کنی؟ اگر بر ما پیروز شدی آنها برای توست. بر ما به خاطر خدا رحم کن. حضرت از این کار منصرف شد و محاصره را رها کرده و به جعرانه برگشت (واقعی، همان: ۳: ۹۲۸-۹۲۷؛ طبری: همان: ۳/ ۱۴).

ب. تحلیل و بررسی واقعه

در این دو حادثه نکاتی مورد غفلت واقع شده که توجه به آنها در پاسخ به شبهات راه‌گشا است. این نکات عبارت‌اند از:

۱. اخطار و دادن مهلت کافی جهت ترک مدینه، تهدید، محاصره و حتی استفاده از منجنیق و ارباب جنگی در جنگ طائف برای درهم شکستن دژ و تسلیم عهدشکنان مؤثر واقع نشد، از سویی طولانی شدن محاصره به نفع مسلمانان نبود، زیرا امکان رسیدن امداد به بنی‌نضیر از سوی مشرکان، منافقان، یهودیان بنی‌قریظه و خیبر وجود داشت که در این صورت دامنه جنگ گسترده‌تر می‌شد و تلفات افزایش می‌یافت (اداک، همان: ۱۵۲). در منطقه طائف نیز توقف بیش از حد میسر نبود، زیرا ماه ذی‌القعدة که جنگ و خونریزی در آن حرام است، نزدیک بود و طی هفده روز محاصره سیزده نفر از مسلمانان کشته شده بودند (سبحانی، همان: ۳۶۳). لذا پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از اخطار دادن راجع به قطع درختان و اعتنا نمودن دشمنان به این اخطار، چاره‌ای ندید جز آنکه از نقطه ضعف یهودیان، یعنی همان دلبستگی شدیدشان به نخلها و درختان انگور که منبع درآمدشان بود استفاده کند، تا بدین وسیله از وقوع یک جنگ بزرگ و خونریزی بیشتر جلوگیری نماید (حسنی، سیره المصطفی نظرة جدیدة ۱۴۱۶: ۴۳۸). بنابراین، قطع درختان یک شیوة نظامی و تهدیدی بود و با سوابقی که از روحیه و نحوه رفتار پیامبر با دشمنان داریم، بی‌تردید اگر این حربه مؤثر نمی‌افتاد قطعاً پیامبر از ادامه آن خودداری می‌نمود (سبحانی، همان: ۳۶۳).
۲. تخریب نخلستان بنی‌نضیر و تاکستان طائف در حد گسترده‌ای نبود. در برخی

نقلها آمده است در غزوه بنی نضیر یک نخل قطع شد و دیگری آتش زده شد. در نقلی دیگر نیز آمده، حداکثر شش نخل قطع شد یا آتش زده شد (مجلسی، همان: ۲۰: ۱۶۵؛ طائی، السیره النبویه ۱۴۲۲: ۱/ ۴۰۱؛ حلبی شافعی، السیره الحلبیه ۱۴۲۷: ۲/ ۳۶۱).

در غزوه طائف نیز بلافاصله بعد از آغاز بریدن درختان، داد و فریاد و استغاثه دشمن بلند شد و حضرت به خواهش دشمن ترتیب اثر داد و به اصحابش دستور داد از بریدن درختان صرف نظر کنند (واقعی: همان: ۳: ۹۲۸).

۳. از آیات دوم تا پنجم سوره حشر و شأن نزول آن نیز چنین به دست می آید که در قطع درختان بنی نضیر، مصالح و حکمتهای فراوانی نهفته بود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن ۱۴۱۷: ۱۹/ ۲۰۳). که یکی از آنها شکست و ذلت یهودیان و عبرت گرفتن و هراسناک شدن مشرکان، منافقان و تمام هم‌پیمانان یهودیان بنی نضیر بود. چنان‌که نقل شده منافقان از تبعید یهودیان بنی نضیر به شدت اندوهگین شدند و مدینه خالی از آنان را هراسناک یافتند (واقعی: همان: ۱: ۳۷۶). شاید سر فرموده خداوند: «لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ» به جای «الْكَافِرِينَ» اشاره به همین نکته باشد (عاملی، الصحيح من سیره النبی الأعظم ۱۴۱۵: ۸/ ۱۲۴).

۴. از سیره عملی رسول خدا ﷺ در غزوه بنی نضیر و طائف چنین استنباط می‌شود که از بین بردن محدود درختان، نه در سطح وسیع، در صورتی که مانع افزایش تلفات جانی و مالی گردد و پیروزی حق و اجرای عدالت منوط و موقوف به آن باشد جایز است، زیرا در این صورت چنان کاری جزئی از طرح اصلاح خواهد بود و چنین عملی اساساً فساد، تباهی و اقدام بر معصیت نخواهد بود (مدرسی، من هدی القرآن ۱۴۱۹: ۱۵: ۲۲۴).

با توجه به مطالب فوق، این نکته نیز به دست می‌آید که در جنگ بنی نضیر و طائف، قطع درختان، خود هدف مستقیم جنگ نبود و به عنوان یک اقدام تلافی‌جویانه صورت نگرفت و در این واقعه دو قاعده «الاسهل فالاسهل» و «الضرورات تقدر بقدرها» به بهترین نحوه و شکل مراعات شده است، زیرا ابتدا به یهودیان

اخطار و مهلت کافی جهت ترک مدینه داده شد و سپس بعد از محاصره و نتیجه ندادن تلاش مسلمانان، از حربۀ قطع درختان، در حال ضرورت و به عنوان آخرین راهکار استفاده شد. همچنین بعد از تسلیم قبیله بنی‌نضیر و درخواست یهودیان راجع به قطع نمودن درختان در غزوة طائف، بلافاصله قطع درختان متوقف شد، به طوری که کمترین خسارت و تخریب ممکن بر محیط زیست تحمیل شد.

بند دوم: ممنوعیت اسراف و تبذیر

در قرآن کریم واژه «اسراف» با مشتقاتش ۲۳ مرتبه به کار رفته و مصادیق متعددی برای اسراف کنندگان شمرده شده است (برای نمونه نک: اعراف: ۳۱؛ اسراء: ۳۳؛ غافر: ۳۴؛ دخان: ۳۱؛ زمر: ۵۳).

مطالعه و دقت در موارد و مصادیق این واژه در قرآن کریم، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که اسراف دارای معنای جامع و وسیعی است که «بر هر گونه زیاده‌روی و تجاوز از حد اعتدال اطلاق می‌شود که در شرع، عقل یا عرف لحاظ شده است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ۱۴۰۲: ۱۰۹/۵). چنان‌که خداوند سبحان می‌فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان:

۶۷)؛ و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه

سخت‌گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

واژه «تبذیر» نیز، در اصل از ماده «بذر» به معنای پراکنده کردن و پاشیدن دانه است، که به مناسبت درباره کسی به کار رفته است که مال خود را بیهوده پخش و توزیع و تباه می‌کند و یا در معاصی صرف می‌نماید (ابن منظور، لسان العرب ۱۴۱۴: ۴/۵۰؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ۱۴۱۲: ۱۱۳). این واژه در قرآن کریم فقط در دو آیه در سوره مبارکه اسراء ذکر شده که در این آیات به شدت از تبذیر نهی شده و تبذیر کنندگان برادران شیطان قلمداد شده‌اند (اسراء: ۲۶ و ۲۷).

از آیات و روایات فراوانی که در باب اسراف و تبذیر وارد شده به دست می‌آید که نتیجه «اسراف و تبذیر» توسعه بی‌عدالتی، تباه شدن نعمتهای الهی، کشتار انسانها، اتلاف و آلودگی محیط زیست، پایمال شدن حقوق ملتها و تجاوز به حریم آنها، و ورود در ورطه فساد و سخط الهی است؛ چنانکه در سوره مبارکه شعراء، جوهر و منشأ اصلی فساد «اسراف» معرفی شده و اطاعت و تبعیت از اسراف کاران نهی شده است:

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ، الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ
(شعراء: ۱۵۱ - ۱۵۲)؛ و فرمان مسرفان را پیروی نکنید، آنان که در زمین فساد می‌کنند و (هرگز) به اصلاح نمی‌پردازند.

از نظر اصطلاحی نیز فقها وجود یکی از دو معیار ذیل را در تحقق اسراف و تبذیر ضروری می‌دانند:

۱. عرف متحمل شدن چنین هزینه‌هایی را اتلاف، تباه کردن مال و یا اضرار به بدن بشمارد. به عبارت دیگر، هیچ غرض عقلایی و یا شرعی بر انجام این هزینه‌ها مترتب نباشد (نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام بی‌تا: ۶۳۵؛ حکیم طباطبایی، مصباح المنهاج بی‌تا: ۳/۶۴۹).
۲. ثروت در مسیر حرام و انجام کارهایی که خلاف شرع مقدس است قرار گیرد (علامه حلی، تذکرة الفقهاء بی‌تا: ۱۴: ۲۰۶؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام ۱۴۱۳: ۴: ۱۵۲)، زیرا هزینه کردن در معصیت خدای متعال نوعی تجاوز از عدالت و حدود الهی است. لذا برخی از فقها ادعای اجماع نموده‌اند که خرج کردن مال در امور حرام اسراف است (مقدس اردبیلی، زبدة البیان فی أحكام القرآن بی‌تا: ۴۸۸). در این خصوص، از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر سخن خداوند متعال: «وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا» سؤال شد، حضرت فرمود:

من أنفق شيئاً فی غیر طاعة الله فهو مبذر (عیاشی، تفسیر العیاشی ۱۳۸۰: ۲/۲۸۸، ح ۵۳)؛ هر کس چیزی را در راه غیر طاعت خدا - بیهوده یا

برای معصیت - خرج کند تَبذیرگر است.

از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده که فرمود:

المسرفون هم الذین یستحلون المحارم، و یسفکون الدماء (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ۱۳۷۲: ۳ / ۲۹۰)؛ مسرفان آن کسانی هستند که حرامها را حلال شمرده و خونها را می‌ریزند.

در حرمت اسراف، در صورت تحقق هر یک از دو معیار فوق، میان فقها اختلافی وجود ندارد (ابن ادریس حلی: ۱۴۱۰: ۱ / ۴۴۰) و اسراف از جمله گناهان کبیره و حرمت آن از ضروریات دین محسوب می‌شود. حتی برخی از فقها تصریح نموده‌اند که بر حرمت اسراف، اجماع قطعی وجود دارد (نراقی: همان: ۶۱۶). روایات فراوانی نیز از ائمه معصومان علیهم السلام نقل شده است که در آن از معیار تشخیص گناهان کبیره سؤال شده است که حضرات معصومان علیهم السلام در پاسخ اعمالی را که به آن وعده آتش داده شده - مانند اسراف (غافر: ۴۳) - گناه کبیره دانسته‌اند (کلینی، الکافی ۱۴۰۷: ۲ / ۲۱۷۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة ۱۴۰۹: ۱۵ / ۳۳۰). به علاوه، اسراف و تبذیر بر اساس حکم عقل و بنای عقلا نیز قبیح شمرده می‌شود، زیرا اسراف ضایع نمودن نعمتهای الهی و اتلاف و هدر دادن سرمایه‌های خود و یا اموال و درآمدهای عمومی و یا صرف آنها در راه‌های غیر عقلایی است. این امر نیز مورد تقبیح عقلا و عقل است. لذا علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا جَهْلَ كَالْتَبذِيرِ؛ هیچ جهالتی و نادانی مانند تبذیر نیست» (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم ۱۳۶۶: ۳۶۰).

با توجه به مطالب فوق روشن می‌شود که آثار و عواقب جنگهای ویرانگر و استفاده از تسلیحاتی که قدرت تخریبی بالایی دارند، به ویژه تسلیحات غیر متعارف و کشتار جمعی، از روشن‌ترین مصادیق اسراف و تبذیر است. زیرا در این مشخصات منابع طبیعی و عناصر زیست محیطی که متعلق به همه نسلهاست به طور بی‌رویه و گسترده نابود و آلوده می‌شوند که این فاجعه، علاوه بر اسراف و اتلاف اموال و سرمایه‌های عمومی، سبب پایمال شدن حقوق ملتها و تجاوز به حریم آنها

خواهد شد (صدر، ما وراء الفقه ۱۴۲۰: ۶/ ۲۹۱) حتی برخی از فقها تصریح می‌نمایند هزینه‌های بی‌رویه و غیر ضرور و غیر معقولانه در تولید و خرید تسلیحات ویرانگر اسراف و حرام می‌باشد (حسینی شیرازی، همان: ۲۲۷).

بند سوم: حرمت تعدی از حدود الهی

خداوند متعال در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌فرماید:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، و [سی] از اندازه درنگذیرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

در آیه شریفه، ضمن تصریح به ضرورت دفاع و مقابله در برابر تجاوز دیگران، یادآور می‌شود که در میدان جنگ نباید از حدود و مرزهای الهی تجاوز کرد، و هرگز تعدی و تجاوز، نباید خود جزو عملیات جنگی شود (مطهری، همان: ۴۵). حتی در شرایط ضروری و در مقابله با تجاوزات دشمن نیز نباید زیاده‌روی شود و مقابله به مثل شکل انتقام‌جویی به خود گیرد. بنابراین، قلمرو جواز انهدام و تعدی در این موارد تا جایی است که جنگ و درگیری در جریان بوده و کماکان حالت ضرورت باقی باشد، و اقدامات اضطراری نیز باید با رعایت «الاسهل فالاسهل» و به قدر ضرورت و نیاز صورت گیرد، زیرا هر چند گفته اند: «الضرورات تبيح المحذورات» اما در کنار آن قاعده «الضرورات تقدر بقدرها»، نیز وجود دارد، که قاعده‌ای عقلی است و مفاد آن این است که تنها تا رفع حالت ضرورت و به تناسب خطر و تهدید موجود انجام فعل اضطراری جایز است (نک: محقق داماد، قواعد فقهی بخش جزایی ۱۳۸۰: ۱۴۸؛ مکارم شیرازی، همان: ۲/ ۳۴؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم بی تا: ۱۴: ۲۸۹؛ زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج ۱۴۱۸: ۲: ۱۸۳).

چنان‌که خداوند متعال در آیه ۱۹۴ سوره بقره می‌فرماید:

فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید - و زیاده‌روی ننمایید - و بدانید که خدا با تقوایندگان است.

از سوی دیگر، در آیه شریفه ۱۹۰ سوره بقره، به طور مطلق از «اعتداء» نهی شده است. بنابراین، اعتدا شامل همه انواع تجاوزات و تعدیات می‌شود؛ از شروع به جنگ و خونریزی، و قتل کسانی که در جنگ نقشی ندارند، تا قطع درختان و آتش زدن مزارع و غارت و تخریب اموال و اماکن غیر نظامی دشمن، که تمام موارد فوق در سنت نبوی ﷺ به شدت مورد نهی واقع شده است (طباطبایی، همان: ۲: ۶۱؛ مکارم شیرازی، همان: ۲: ۲۰؛ مقدس اردبیلی، همان: ۳۰۷؛ مراغی، همان: ۲: ۱۹).

گفتار دوم: مقررات خاص حمایتی

در جهان‌بینی توحیدی، شناخت اصول زیست محیطی و پرهیز از صدمه و آسیب رساندن به محیط زیست و سعی در سالم‌سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن‌ترین تکالیف بشری به شمار می‌آید، تا نشاط جامعه همراه با سلامت آن و خرمی افراد، همراه با صحت آنان تضمین شود (جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ۱۳۸۱: ۱۴)؛ به ویژه اینکه در زمان جنگ به خاطر شرایط حاکم بر صحنه مخاصمات، باید مراقبت‌ها و حمایت‌ها شدیدتر شود که از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، دراز مدت و شدید، حفاظت به عمل آید.

در همین زمینه روایات متعددی در منابع روایی فریقین نقل شده است که در ذیل به بررسی بخشی از آنها می‌پردازیم:

الف. در موثقه (حسینی روحانی، فقه الصادق علیه السلام: ۱۴۱۳: ۱۳ / ۱۰۱؛ بحرانی، فقه الطب و التضخم النقدي ۱۴۲۳: ۲۰). مسعدة بن صدقة، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: نبی اکرم ﷺ هنگامی که می‌خواست فرماندهی را عازم سریه‌ای سازد، او را به رعایت تقوا توصیه می‌کرد پس خطاب به اصحاب خویش می‌فرمود:

اغزُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... وَ لَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ وَ لَا تُغْرِقُوهُ بِالْمَاءِ وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَ لَا تُحْرِقُوا زَرْعاً لَأَنَّكُمْ لَا تَذَرُونَ لَعَلَّكُمْ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ وَ لَا تَعْتَرُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْ أَكْلِهِ...؛ به نام خدا و در راه خدا با کفار بجنگید، ... درخت خرمايي را آتش نزنيد و آن را با آب غرق نکنيد، و هيچ درخت میوه‌داري را قطع نکنيد، و زراعتي را آتش نزنيد، زيرا شما نمی دانيد، ممکن است به آن نیازمند گرديد. و از چهارپايان حلال گوشت غير آن را که خواستيد بخوريد پي نکنيد... (طوسی، تهذيب الأحكام ۱۴۰۷: ۱/ ۱۳۸؛ کليني، همان: ۵/ ۲۹).

ب. همچنين در صحيحه (تبريزي، أسس القضاء و الشهادة بي تا: ۲۳۱؛ منتظري، همان: ۳/ ۲۵۴) ابی حمزه ثمالی از امام صادق عليه السلام نقل شده که رسول خدا صلى الله عليه وآله از قطع درختان جز در حال ضرورت نهی فرمود: «... وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا...» (طوسی، همان: ۶/ ۱۳۸؛ کليني، همان: ۵/ ۲۸).

ج. شبیه روایت نخست، در منابع متعدد روایي اهل سنت نیز نقل شده است. از جمله واقدی در کتاب مغازی از طریق ابوصفوان از خالد بن یزید نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به منظور بدرقه سپاه مؤتة بیرون آمد و چون به محل دروازه وداع رسید، توقف فرمود و سپاهیان هم گرد آن حضرت ایستادند و چنین فرمود:

...و لا تقتلن امرأة و لا صغيراً مرضعاً و لا كبيراً فانيا، لا تغرقن نخلا و لا تقطعن شجراً، و لا تهدموا بيتاً؛ هرگز زن و کودک و پير فرتوت را مکشيد، درخت خرما و هيچ‌گونه درختي را قطع نکنيد و هيچ خانه‌اي را خراب نکنيد (واقدی، همان: ۲/ ۷۵۸).

د. همچنين در مضمون روایت دوم، بيهقي روايتي را از اميرمؤمنان علی عليه السلام نقل می‌کند که فرمود: نبی اکرم صلى الله عليه وآله هنگامی که می‌خواست سپاهی را عازم سریه‌ای سازد می‌فرمود:

... و لا تغورن عينا و لا تعقرن شجرة الا شجرا يمنعكم قتالا أو يحجز بينكم

وبین المشركين ...؛ و هیچ چشمه و چاه آبی را نخشکانید، و هیچ‌گونه درختی را زخمی نکنید، به جز درختی که شما را از قتال متوقف کند و یا بین شما و مشرکان حایل گردد (بیهقی، بی تا: ۹: ۹۰ - ۹۱)

مطالعه و دقت در روایات فوق، به ویژه روایت اول و دوم که مورد استناد فقهای امامیه قرار گرفته است، ما را به نکات متعددی رهنمون می‌سازد که از آن جمله موارد ذیل را می‌توان برشمرد:

۱. در این روایات بر لزوم تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی تأکید شده و به طور صریح از صدمه زدن، تخریب و نابودی عناصر محیط زیست منع شده است.
۲. ممنوعیت قطع و تخریب درختان و آتش زدن کشتزارها، که به لحاظ عموم و اطلاق عبارت شامل هر نوع درخت میوه‌دار و غیر آن و هر نوع مزرعه‌ای می‌شود، زیرا نکره در سیاق نفی افاده عموم می‌کند.
۳. تنها زمانی می‌توان اقدام به قطع درختان نمود که ضرورت - نظامی - وجود داشته باشد. در روایت چهارم به دو مورد از موارد ضروری که می‌تواند مجوز قطع درختان باشد، اشاره شده است.

در این باره از امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز روایتی نقل شده که حضرت اجتناب از قطع درختان سبز را از عوامل طولانی شدن عمر دانسته و قطع درختان تر را جز در موارد ضرورت نهی فرموده‌اند: «وَمِمَّا يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ ... وَ أَنْ يُحْتَرَزَ عَنِ الْقَطْعِ الْأَشْجَارِ الرَّطْبَةِ إِلَّا عِنْدَ الضَّرُورَةِ...» (مجلسی، همان: ۳۱۹/۷۳).

۴. ممنوعیت خشکانیدن آنها که به لحاظ عموم و اطلاق عبارت شامل هر نوع منبع آب جهت مصرف شرب انسانی، حیوانی و یا دیگر مصارف اعم از کشاورزی و غیره می‌شود.

در این زمینه، در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از ایجاد هرگونه آلودگی به واسطه مواد سمی، در سرزمینهای کفار که منجر به تعدی از حدود الهی می‌گردد و موجبات از بین رفتن غیرنظامیان و موجودات دیگر را فراهم

می آورد، نهی فرموده‌اند، از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (کلینی، همان: ۲۸/۵).

بی تردید آنها از جمله عناصر اصلی محیط زیست محسوب می‌شوند که القای سم موجب آلودگی آنها شده و همین امر حیات موجودات زنده را تهدید می‌کند و یا آنها را از بین می‌برد (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام بی تا: ۶۸/۲۱). حتی برخی از فقها تصریح نموده‌اند: هرچند در روایت خصوص «سم» ذکر شده، لکن با الغای خصوصیت، می‌توان «سم» را شامل هرگونه سلاحهای کشتار جمعی اعم از شیمیایی و میکروبی دانست که باعث کشته شدن بسیاری از انسانهای غیرنظامی و دیگر موجودات زنده حیوانی و نباتی می‌گردد (صدر، همان: ۲: ۳۸۵).

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت از آلوده کردن آبی که متعلق به مردم است، حتی برای انجام واجب شرعی باز می‌دارند: «وَلَا تُفْسِدْ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ؛ وَ آبِ مَصْرَفِي مَرَدَمٍ رَا فَاسِدٌ مَكْنٌ» (کلینی، همان: ۳/۶۵).

۵. ممنوعیت پی کردن و کشتار حیوانات اهلی به غیر نیاز غذایی، چرا که در صورت عدم نیاز غذایی قتل و عقر حیوانات به خاطر تعدی و تجاوز از حدود الهی و عدم لحاظ ضرورت جنگی، از مصادیق اتلاف، اسراف و افساد در زمین خواهد بود. با این حال، در صورت نیاز غذایی یا جنگی از طریق ذبح می‌توان از گوشت آنها استفاده نمود و یا در صورت لزوم، مانع توانمندی و تجدید قدرت دشمن شد.

علاوه بر روایت فوق که در آن پی کردن چهار پایان حلال گوشت به غیر نیاز غذایی منع شده، روایات فراوانی از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصوم علیهم السلام در ممنوعیت اذیت و آزار حیوانات نقل شده است. در روایتی نبی مکرم اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آتش زدن (حر عاملی، همان: ۱۷/۲۹۷)، مثله کردن و صبر حیوان نهی فرمود (تمیمی مغربی، دعائم الإسلام ۱۳۸۵: ۲/۱۷۵؛ حر عاملی، همان: ۲۹/۱۲۸؛ بیهقی، همان: ۷/۲۴). مثله به معنای بریدن بینی، گوش و دیگر اعضای حیوان است و صبر، در اینجا به

معنای آن است که حیوانی را به چیزی ببندند و به عنوان هدف و لذت بردن به سوی آن شلیک کنند، تا بمیرد (مجلسی، همان: ۶۲ / ۳۲۸).

همچنین در روایتی امام صادق علیه السلام، کشتن چارپایان را یکی از پلیدترین گناهان برشمردند (حر عاملی، همان: ۱۱: ۵۴۴). در روایت دیگری نبی اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: انسانی نیست که گنجشکی یا حیوان دیگری را بدون رعایت حقش بکشد، مگر اینکه خداوند متعال از او بازخواست می‌نماید. گفته شد: آن حق چیست؟ فرمود: برای رفع نیاز غذایی آن را ذبح کنید، نه اینکه سرش را قطع کنید و آن را دور بیندازید» (مجلسی، همان: ۶۱ / ۳۰۶).

در منابع روایی اهل سنت نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

من قتل صغيراً أو كبيراً أو أحرق نخلاً أو قطع شجرة مثمرة أو ذبح شاة لاهاً بها لم يرجع كفافاً؛ کسی که کودکی یا سالخورده‌ای را به قتل رساند، و یا درخت خرمايي را بسوزاند، یا درخت میوه دهی را قطع کند، یا گوسفندی را ذبح کند در حالی که هدفش از این کار سرگرمی و وقت‌گذرانی باشد، یا - رزقی به حد - کفایت باز نمی‌گردد. - یعنی چنین عملی باعث فقر می‌شود (هیثمی، مجمع الزوائد ۱۴۰۸: ۵ / ۳۱۷).

۶. «لَا تَقْطَعُوا شَجَرًا، لَا تُحْرِقُوا زَرْعًا وَ لَا تَعْتَرُوا مِنَ الْبِهَائِمِ»، و... ظهور در حرمت

دارد، چنان که برخی از فقها نیز بر این حکم تصریح نموده‌اند (صدر، همان: ۲: ۳۹۳؛ شیرازی، الفقه ۱۴۰۹: ۴۷: ۱۹۶).

۷. از مجموع روایات شریفه استفاده می‌شود که در جریان مخاصمه نمی‌توان بی‌جهت و بدون ضرورت و دلیل موجه شرعی اقدام به کشتن حیوانات، تخریب و قلع و قمع درختان و مزارع، خشکانیدن و آلوده کردن منابع آب نمود.

گفتار سوم: محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی

در منابع فقهی نیز به تبع روایات، به بخشی از مهم‌ترین عناصر محیط زیست مانند حیوانات، درختان و مزارع، که از جمله عناصر زیست محیطی نیز به حساب می‌آیند، توجه ویژه‌ای شده و در وضعیت‌های مختلفی در صحنه مخاصمات مورد بررسی قرار گرفته است. لذا در تبیین دیدگاه‌های فقهی مذاهب اسلامی برخی از عناصر مزبور را بررسی می‌کنیم.

الف. موارد ممنوعیت تخریب

۱. قطع درختان و تخریب مزارع و کشتن حیوانات، در غیر حال ضرورت و حاجت شدید، جایز نیست (ابن براج، المهدب ۱۴۰۶: ۲۹۹؛ ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه ۱۴۰۳: ۲۵۶؛ شیرازی، همان: ۱۹۶).

برخی از فقهای امامیه به این دیدگاه تصریح نموده و ظاهر کلامشان که به «لا یقطع» و «لا یجوز» تعبیر نموده‌اند حرمت است. مستند این دیدگاه، آیه ۲۰۵ سوره بقره، و دو گروه از روایات است که یک گروه به طور مطلق از تخریب و قطع درختان (به ویژه درختان مثمر) و مزارع نهی نموده است، مانند موثقه مسعدة بن صدقة (کلینی، همان: ۵: ۲۹)، و گروه دوم روایاتی است که قطع درختان را جز در حال ضرورت و نیز از پی کردن و کشتار چهارپایان به غیر نیاز غذایی منع می‌نماید. مانند صحیحه ابوحمزه ثمالی (کلینی، همان: ۲۷/۵). بنابراین، گروه دوم مخصص روایات گروه اول خواهد بود.

علامه حلی رحمته الله در یکی از تألیفاتش در این خصوص می‌نویسد:

اتلاف اموال کفار مثل بریدن درختان و کشتن حیوانات، در صورتی که برای پیروزی بر دشمن لازم و ضروری باشد جایز است، در غیر این صورت جایز

نخواهد بود (علامه حلی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام ۱۴۱۳: ۴۹۵).

سید محمد حسینی شیرازی رحمته الله نیز در این باره آورده است:

آنچه که از ظاهر ادله به دست می‌آید این است که تخریب - محیط زیست و اموال کفار حربی - به واسطه پرتاب مواد آتش‌زا و سمی و قطع درختان و منهدم نمودن خانه‌ها و مانند این امور، زمانی که فتح و پیروزی متوقف بر آن نباشد و یا ضرورتی اقتضای اباحه این امور را ننماید، جایز نخواهد بود. زیرا اولاً تخریب بدون دلیل موجه، افساد است و حال آنکه خداوند متعال هیچ‌گونه افسادی را دوست ندارد، و ثانیاً در برخی از روایات از چنین اعمالی - به طور مطلق - نهی می‌نماید، بعد از اینکه این روایات توسط روایاتی تخصیص خورده است که قطع درختان را در جایی جایز می‌داند که دستیابی به پیروزی منحصر به قطع درختان باشد (شیرازی، همان: ۱۹۶).

برخی از علمای اهل سنت، مانند اوزاعی (به نقل از عینی، عمدة القاری فی شرح البخاری بی‌تا: ۱۶۲)، لیث و ابو ثور (به نقل از ابن قدامه، همان: ۵۱۰ - ۵۰۹) نیز تصریح می‌نمایند در چنین فرضی تخریب مزارع و درختان و کشتن حیوانات جایز نیست. در این زمینه به نصوص و عمومات قرآن کریم و روایات ناهیه نقل شده از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و وصیت ابوبکر به لشکریان خویش استناد کرده‌اند (برای روایت نک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ۱۴۰۴: ۱۷/۱۸۴). به علاوه، چنین عملی اتلاف محض می‌باشد و در روایات از آن منع شده است، مانند روایاتی که از کشتن حیوانات از روی عبث و بدون دلیل نهی نموده‌اند (فیروزآبادی شیرازی، المهدب فی فقه الامام الشافعی: ۴۶۱؛ ابن نجیم المصری، البحر الرائق ۱۴۱۸: ۱۲۸؛ ابن مفلح، المبدع شرح المقنع ۱۴۲۳: ۲۳۷ - ۲۳۸).

۲. در صورتی که تخریب مزارع و درختان برای خود مسلمانان نیز ضرر و زیان قابل توجهی به دنبال داشته باشد، این عمل جایز نبوده، بلکه حرام است. ظاهراً

مستند این دیدگاه، علاوه بر حکم عقل و آیه ۱۲۵ سوره بقره: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ خود را با دست خود به هلاکت میفکنید»، روایات متعددی است که دلالت بر حرمت اضرار به نفس و مسلمانان دارد.

ابن قدامه در این خصوص می‌نویسد:

اگر مسلمانان با تخریب درختان و مزارع نتوانند از علوفه آنها برای حیوانات خویش، و یا از سایه و میوه و محصولات آنها برای خوردن استفاده نمایند، و یا چنین اقدامی بین ما و دشمن متعارف نباشد و اگر ما مرتکب آن شویم، با مقابله به مثل دشمن روبه‌رو خواهیم شد، پس این نوع اقدامات حرام می‌باشد، چرا که موجب اضرار مسلمین خواهد شد (ابن قدامه، همان: ۵۱۰).

به نظر می‌رسد به کارگیری برخی از تسلیحات ویرانگر به ویژه «تسلیحات کشتار جمعی» را در همین زمینه می‌توان ارزیابی نمود - بدون توجه به سایر ادله‌ای که دلالت بر حرمت استفاده از این گونه تسلیحات دارد - زیرا اولاً، استفاده از چنین تسلیحاتی متعارف نیست و ثانیاً، احتمال مقابله به مثل توسط نیروهای دشمن وجود دارد و ثالثاً، اثرات مخرب و آلودگی دراز مدت و گسترده محیط زیست و بدون کنترل استفاده از این نوع تسلیحات ممکن است دامنگیر خود استفاده‌کنندگان نیز گردد و حیات کره زمین را به مخاطره افکند.

ب. موارد جواز تخریب

تردیدی نیست که تخریب درختان و مزارع و کشتن اسبان سواری در صحنه جنگ، با وجود ضرورت و حاجتی که اقتضای آن را داشته باشد، جایز است (نجفی، همان: ۲۱/۶۵؛ حلی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام: ۱/۴۹۵؛ شریینی، مغنی المحتاج ۱۳۷۷: ۲۲۶ - ۲۲۷؛ زرکش، الدیاج فی توضیح المنهاج ۱۴۲۷: ۱۰۶۳) اما منظور از ضرورت و حاجتی که مجوز تخریب است، چیست؟ در متون فقهی مصادیق

متعددی برای آن بیان شده است. این موارد عبارت‌اند از:

۱. راه پیروزی منحصر به قطع درختان و تخریب مزارع باشد (ابن براج، همان: ۲۹۹؛ شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ۱۴۱۰: ۳۹۲؛ طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل ۱۴۱۸: ۶۹؛ الماوردی، الحاوی فی فقه الشافعی ۱۴۱۴: ۴۰۹).
 ۲. درختان از پیشروی رزمندگان اسلام جلوگیری نماید. با این توضیح که: مثلاً وجود درختان باعث به تعویق افتادن تحرکات نظامی و یا سد راه گردند، و یا دشمن خود یا تسلیحاتش را در پس آنها پنهان کند و از تیررس خارج نماید و یا برای انتقال خود و یا تدارکاتش و یا دیدبانی به کار گیرد (ابن قدامه، المغنی: ۵۰۹ - ۵۱۰؛ ابن نحاس، مشارع الاشواق الی مصارع العشاق ۱۴۲۳: ۱۰۲۴).
 ۳. برخی از فقهای اهل سنت معتقدند، قطع و تخریب درختان و مزارع از باب مقابله به مثل نیز جایز می‌باشد (همان).
 ۴. کشتن اسبان سواری و استرانی که تسلیحات نظامی را حمل می‌نمایند و یا سبب توان بخشی دشمنان می‌گردند جایز است. همچنین اگر با کشتن اسبان سواری دشمن، بتوان به آنان دسترس پیدا کرد و با آنان قتال نمود، این عمل جایز است (علامه حلی، تذکرة الفقهاء: ۷۱ - ۷۳؛ نووی، المجموع بی تا: ۲۹۷).
- البته در عصر حاضر استناد به ضرورت‌های نظامی برای از بین بردن حیوانات دشمن امر چندان آسانی به نظر نمی‌رسد، زیرا استفاده از حیوانات در تاکتیک‌های جنگی در میان کشورهای مختلف وجود ندارد و یا کم رنگ شده و به جای آن از تجهیزات و ماشین‌های مخصوص جنگی استفاده می‌شود.
- نکته قابل توجه این است که امروزه مشابه موارد فوق، مورد پذیرش رویه دولتها قرار گرفته و به عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در زمینه مخاصمات مسلحانه مطرح است. بر این اساس، هیچ‌بخش از محیط زیست نباید مورد حمله قرار گیرد مگر آنکه هدف نظامی باشد. انهدام هر بخشی از محیط زیست طبیعی نیز ممنوع است مگر آنکه ضرورت مبرم نظامی ایجاب کند (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۲۴۴).

چنان‌که در ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول نیز به برخی از این موارد اشاره شده است.

ج. تحلیل و بررسی برخی از دیدگاه‌های فقهی

بسیاری از فقهای فریقین تصریح دارند که قطع درختان (در دارالحرب) حتی بدون ضرورت جایز است، هرچند سزاوار است از چنین اعمالی دوری نمود (محقق حلی، همان: ۲۸۲ - ۲۸۳؛ طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی ۱۴۰۰: ۲۹۹؛ شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة: ۳۹۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۲۲ - ۱۲۴؛ همچنین برای دیدن دیدگاه فقهای اهل سنت نک: سرخسی، المبسوط ۱۴۰۶: ۳۱ - ۳۲؛ شربینی، همان: ۲۲۶ - ۲۲۷؛ مالک بن انس، المدونة الكبرى بی تا: ۸؛ بهوتی، کشاف القناع ۱۴۱۸: ۵۳ - ۵۴).

این گروه از فقها معتقدند نهی در روایات ناهیه قاصر از افاده حرمت است (نجفی، همان: ۶۷/۲۱)، بلکه متبادر از این روایات کراهت می‌باشد (محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد ۱۴۱۴: ۴۱۲). به علاوه آیه ۵ سوره حشر و شأن نزول آن و عمل رسول مکرم اسلام ﷺ دلالت بر جواز آن دارد (طوسی، بی تا: ۱۱/۲؛ بهوتی، همان: ۵۴).

آیا چنین دیدگاهی حاکی از جواز تخریب محیط زیست به طور مطلق حتی در غیر حال ضرورت نیست؟! و آیا اساساً این دیدگاه در تضاد با اسناد و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل در زمینه مخاصمات مسلحانه نیست؟! برای پاسخ به این شبهه و سؤال، در تحلیل کلام این گروه از فقها نیاز به تبیین قلمرو بحث و دقت در قیودی است که در کلام ایشان مصرح و یا مستور است. در این زمینه مطالعه متون فقهی، ما را به نکات و قیود ذیل رهنمون می‌سازد:

۱. قطع درختان یا انهدام مزارع در غیر حالت ضرورت، تنها در حال جنگ و در صحنه مخاصمات (علامه حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام: ۷۲؛ طباطبایی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل: ۶۹) و در زمین کفار حربی (طوسی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل: ۲۹۹؛ ابن ادریس، السرائر ۱۴۱۰: ۲/۲۱). آن هم با

این قید که درختان و مزارع جزو اموال کفار باشند، جایز است، زیرا تخریب بخشی از محیط زیست که جزو اموال مسلمانان و یا معاهدین به شمار می‌رود، بدون هیچ اختلافی بین فقها در غیرضرورت مبرم جایز نیست - خواه جنگ با کفار حربی در سرزمین مسلمانان و یا معاهدین رخ داده باشد و خواه اثرات تخریبی جنگ به سرزمینهای ایشان سرایت نماید - (علامه حلی، *متهی‌المطلب فی تحقیق المذهب* ۱۳۳۳: ۹۷۰؛ زحیلی، همان: ۶۵۷). چنان‌که این مطلب از احکام مربوط به جنگ با بغات نیز به دست می‌آید، زیرا بسیاری از فقها تصریح نموده‌اند حتی تصرف و تقسیم اموال مربوط به دشمنان به ظاهر مسلمان در منطقه جنگی جایز نیست (شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*: ۲/ ۴۰۸؛ سید مرتضی، *المسائل الناصریات* ۱۴۱۷: ۴۴۳). بنابراین، به طریق اولی تخریب آن نیز ممنوع خواهد بود.

۲. عبارات فقها تنها ناظر به جواز قطع یا سوزاندن درختان و مزارع می‌باشد. بنابراین، فتاوی فقها منصرف از جواز آلودگی آبها، خاک و هوا، کشتن حیوانات و دیگر عناصر زیست محیطی و به طور کلی تخریب مطلق محیط زیست در غیر شرایط ضروری است. برای نمونه، حتی بسیاری از فقهای که قطع درختان را در غیرضرورت جایز دانسته‌اند، کشتن حیوانات را اگرچه از اسبان سواری دشمن باشند، بدون وجود ضرورت نظامی جایز نمی‌دانند (علامه حلی، *بی‌تا*: ۷۲؛ انصاری، *فتح الوهاب لشرح منهج الطلاب* ۱۴۱۸: ۳۰۱).

۳. تخریب نباید در حد گسترده و طولانی مدت باشد به طوری که اکوسیستم و محیط زیست و حیات طبیعی انسانها و موجودات یک منطقه را به خطر بیندازد؛ خواه این گستردگی انهدام و آلودگی به سبب حجم بالای حمله مستقیم به محیط زیست باشد و خواه به سبب نوع عملکرد تسلیحات، مانند تسلیحات کشتار جمعی که ماهیتاً برای انهدام گسترده، طولانی مدت و بدون کنترل محیط زیست به کار برده می‌شوند. این مطلب هرچند مورد تصریح در کلام فقها نیست، اما در آن جای هیچ‌گونه تردیدی نیست. زیرا استناد فقها در جواز قطع یا به آتش کشیدن درختان و

مزارع به آیه پنجم سوره حشر و جریان غزوه بنی نظیر و طائف است؛ این درحالی است که قبلاً گفتیم در این دو غزوه انهدام درختان در حد بسیار محدود بوده است. از سوی دیگر، برخی از فقها تصریح می نمایند آیه پنج سوره حشر دلالتی بر جواز تخریب به طور مطلق ندارد، زیرا آیه شریفه ناظر به غزوه بنی نظیر است و عمل رسول خدا ﷺ در آن غزوه مشخص نیست در چه شرایطی واقع شده، آیا در حال اختیار بوده و یا بنا بر ضرورت‌های نظامی چنین دستوری صادر شده است (حسینی روحانی، همان: ۱۰۱). علاوه بر این، شواهد و قرائن چنان که قبلاً بیان شد، با حال ضرورت سازگارتر است.

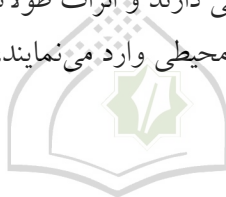
۴. منظور فقها از کراهت قطع درختان در صورت عدم «حاجه» یا «ضرورت»، این نیست که بدون وجود هیچ مصلحت و یا اقتضائات نظامی چنین کاری به طور مطلق جایز باشد، زیرا انهدام بدون دلیل موجه، اتلاف محض، افساد و اسراف است. شاهد سخن عبارات خود فقها و استناد به آیه پنج سوره حشر و شأن نزول آن است، زیرا فرموده خداوند متعال: «لِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ» حاکی از آن است که عملکرد مسلمانان در غزوه بنی نظیر از روی مصلحتی بوده که در نتیجه آن پیروزی مسلمانان نه فقط بر یهودیان بلکه بر کفار و منافقان با حداقل صدمات ممکن، میسر گشت، در حالی که دشمنان اسلام با خواری و ذلت مدینه را ترک گفتند.

با این وصف، به نظر می رسد دیدگاه این گروه از فقها نیز در جهت و منطبق بر اسناد و رویه دولتها و عرف بین الملل در خصوص حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه قابل ارزیابی است.

نتیجه گیری

مطالعه و بررسی منابع اسلامی نشانگر آن است که اصل اولیه در مخاصمات مسلحانه، ممنوعیت آلوده کردن محیط زیست و کشتن حیوانات و تخریب و آسیب رساندن به گیاهان و درختان و مزارع می باشد، چرا که موجب به خطر افتادن

سلامت و استمرار حیات انسانها و دیگر موجودات زنده خواهد بود. شرایط حاد و ضرورت‌های مبرم نظامی نیز هرگز نباید بهانه‌ای برای زیرپانهادن اخلاق و مقررات جهادی اسلام باشد. لذا محیط زیست نباید مورد حمله مستقیم و اقدامات تلافی‌جویانه قرار گیرد، چنان‌که حتی در شرایط ضروری نیز باید مراقبت شود که از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، دراز مدت و شدید، حفاظت به عمل آید. این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها یا وسایل جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین آسیبی به محیط زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود و در نتیجه به سلامتی یا بقای سکنه لطمه بزند. بنابراین، استفاده از تسلیحات شیمیایی، میکروبی و سلاح‌های غیر متعارفی که قدرت تخریب بالایی دارند و اثرات طولانی مدت و پایداری بر محیط زیست طبیعی و عناصر زیست محیطی وارد می‌نمایند، ممنوع است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، شارح: السيد الرضی، محقق و مصحح: عزیز الله عطاردی، قم، مؤسسه نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن براج، المهذب، إشراف: جعفر السبحانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۶ ق.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التویر، بی نا، بی جا، بی تا.
۶. ابن قدامه، عبدالله بن أحمد بن محمد، المغنی، بیروت، دار الكتاب العربی للنشر و التوزیع، بی تا.
۷. ابن مفلح، ابواسحاق، برهان الدین ابراهیم، المبدع شرح المقنع، الرياض، دار عالم الكتب، ۱۴۲۳ ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۹. ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم بن محمد، البحر الرائق، ضبطه وخرج آیاته و أحادیثه: الشیخ زکریا عمیرات، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۸ ق.
۱۰. ابن هشام الحمیری المعافری، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبي، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۱۱. أبوالصلاح حلبی، تعی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، المحقق و المصحح: الشیخ رضا أستاذی، أصفهان، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني رحمته الله، الطبعة الأولى، ۱۴۰۳ ق.

۱۲. ابی زکریا احمد بن ابراهیم بن محمد الدمشقی (المشهور بابن النحاس)، مشارع الاشواق الى مصارع العشاق، بیروت، دارالبشائر الاسلامیه، الطبعة الثالثة، ۲۳ ا.ق.
۱۳. اداک، صابر، رحمت نبوی، خشونت جاهلی رویکردی نو به رفتار پیامبر اکرم ﷺ با مخالفان، تهران، انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۴. استرآبادی، محمد بن علی بن ابراهیم، آیات الأحکام فی تفسیر کلام الملك العلام، محقق / مصحح: شیخ محمدباقر شریف‌زاده گلپایگانی، تهران، کتابفروشی معراجی، چاپ اول.
۱۵. اسلامی، محمدجعفر، شأن نزول آیات، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۶. انصاری، زکریا بن محمد بن زکریا، فتح الوهاب لشرح منهج الطلاب، منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیه، الطبعة الأولى، ۱۸ ا.ق.
۱۷. بحرانی، محمد سند، فقه الطب و التضخم النقدي، بیروت، مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر، چاپ اول، ۲۳ ا.ق.
۱۸. بهوتی، منصور بن یونس بن ادریس، کشاف القناع، تقدیم: کمال عبد العظیم العنانی / تحقیق: أبو عبدالله محمد حسن محمد حسن إسماعیل الشافعی، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الأولى، ۱۸ ا.ق.
۱۹. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، دار الفکر، بی‌نا، بی‌تا.
۲۰. تبریزی، میرزا جواد، أسس القضاء و الشهادة، قم، دفتر مؤلف، چاپ اول، بی‌تا.
۲۱. تمیمی المغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، مصر، دارالمعارف، ۲۸ ا.ق.
۲۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، قم، اسراء، ۱۳۸۸.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲۵. حر عاملی، محمد بن الحسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البتین، لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ۲۰۹ ا.ق.

۲۶. حسینی، هاشم معروف، سیره المصطفی نظرة جديدة، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۶ق.
۲۷. حسینی روحانی، سید صادق، فقه الصادق عليه السلام، مؤسسه دارالکتاب، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۸. حسینی شیرازی، سید محمد، تقرب القرآن إلى الأذهان، دارالعلوم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۲۹. حکیم طباطبایی، سید محمد سعید، مصباح المنهاج - کتاب الطهارة، قم، مؤسسه المنار، بی تا.
۳۰. حلبی شافعی، ابو الفرج، السيرة الحلیبية (إنسان العیون فی سيرة الأمين المأمون)، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
۳۱. حلبی، ابن إدريس، السرائر، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقسم المشرفة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰ق.
۳۲. خویی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق/مصحح: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم، الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۴. زحیلی، وهبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت دمشق، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۳۵. زرکش، بدرالدین محمد بن بهادر بن عبدالله، الدیباچ فی توضیح المنهاج، تحقیق: یحیی مرداد، دار الحدیث، ۱۴۲۷ق.
۳۶. ساعد، نادر، حقوق بشر دوستانه و سلاحهای هسته‌ای، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۳۷. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۶.

۳۸. سرخسی، محمد بن أحمد بن أبی سهل شمس الأئمة، المبسوط، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۶ق.
۳۹. سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۵ق.
۴۰. سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، المسائل الناصریات، محقق / مصحح: مرکز پژوهش و تحقیقات علمی، تهران، رابطة الثقافة والعلاقات الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۴۱. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۴۲. شربینی، محمد بن أحمد، مغنی المحتاج، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌چاپ، ۱۳۷۷ق.
۴۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن أحمد العاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، المحقق و المصحح: السید محمد کلانتر، قم، مکتبه الداوری، المقدسه، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰ق.
۴۴. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن أحمد العاملی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۴۵. شوکانی محمد بن علی، فتح القدير، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر- دار الكلم الطیب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ج ۲.
۴۶. شیرازی، سید محمد حسینی، الفقه، بیروت، دارالعلوم، الطبعة الثانی، ۱۴۰۹ق.
۴۷. شیرازی، سید محمد حسینی، الفقه البیئة، بیروت، مؤسسه الوعی الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۰ق.
۴۸. صدر، سید محمد، ما وراء الفقه، محقق و مصحح: جعفرهادی دجیلی، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۴۹. طائی، جاح، السیرة النبویة، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۲ق.

۵۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۵۱. طباطبایی، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، محققو مصحح: محمد بهره‌مند - محسن قدیری - کریم انصاری - علی مروارید، قم، مؤسسه آل‌البتیة، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ، سوم، ۱۳۷۲.
۵۳. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)، تحقیق: محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ق.
۵۴. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی‌نا، بی‌تا.
۵۵. طوسی، أبوجعفر محمد بن الحسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۰ق.
۵۶. طوسی، أبوجعفر محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الإسلامیة، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۷ق.
۵۷. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم (ط-قدیم)، دار الهادی- دارالسیرة، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۵۸. علائی، حسین و بابک خواجه کاوسی، باهتمام ناصر ثقفی عامری، صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۵۹. علامه حلی، الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث، الطبعة الأولى، بی‌تا.
۶۰. علامه حلی، الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، محقق و مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۶۱. علامه حلی، الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، المحقق و المصحح: الشیخ حسین پیشنماز آحرابی، مطبعة الحاج أحمد آغا و محمود آغا، الطبعة الأولى، ۱۳۳۳ق.
۶۲. علامه حلی، المحقق نجم الدین جعفر بن الحسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، المحقق و المصحح: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، مؤسسه إسماعیلیان، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ق.
۶۳. علامه حلی، الحسن بن یوسف بن المطهر الأسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، اول، ۱۴۱۲ق.
۶۴. عمیق، محسن، درآمدی بر فقه محیط زیست مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۶۰-۵۹، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۶۵. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه ۱۳۸۰ق.
۶۶. عینی حنفی، ابو محمد بدر الدین، عمدة القاری فی شرح البخاری، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۶۷. فیروزآبادی شیرازی، ابی اسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف، المهذب فی فقه الامام الشافعی، دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الاولى، ۱۴۲۴ق.
۶۸. کردبچه حسین آباد، مهدی، تحدید تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی در حقوق بین الملل، تهران نشر سریر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶۹. کرکی، محقق ثانی، علی بن الحسن العاملی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق.
۷۰. کلینی، أبو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۷ق.
۷۱. مالک بن أنس، المدونة الكبرى، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۷۲. ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبيب البصری البغدادی، الحاوی فی فقه الشافعی، دارالکتب العلمية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ق.

۱۳. مجلسی ثانی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقهی بخش جزایی، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۱۵. مدرس، سید محمد تقی، من هدی القرآن، دار محبى الحسين، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۶. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا، کتاب القصاص للفقهاء و الخواص، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۷. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتاب للترجمة و النشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
۱۹. مطهری، مرتضی، جهاد، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هجدهم، ۱۳۸۱.
۲۰. مفید، شیخ محمد، الأمالی، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ق.
۲۱. مقدس اردبیلی، احمد، زیادة البیان فی أحكام القرآن، محقق / مصحح: بهبودی، محمد باقر، تهران، المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ اول.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
۲۴. منتظری، حسین علی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابوال، قم، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۵. منتظری، حسین علی، دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، نشر تفکر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق و مصحح: شیخ عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، هفتم، بی تا.
۲۷. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، بی تا، بی نا.

۸۸. نووی، محیی‌الدین أبو زکریا یحیی بنشرف الحورانی، المجموع، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بی‌تا.

۸۹. هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر بن سلیمان، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.

۹۰. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۹۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت، مؤسسة الأعلمی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۹ق.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی